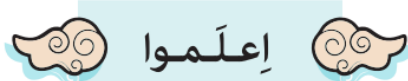


الدرس الثالث: عجائب الأشجار: شگفتی‌های درختان

شرح المفردات:

کلمه	نوع کلمه	ترجمه
تَثَبَّتْ	فعل مضارع - ثلاثی مزید	اثبات می کند
نَصِفُ	فعل مضارع از (وَصَفَ)	توصیف می کنیم
مُواصِفَات	اسم جمع مونث سالم	ویژگی‌ها (جمع کلمه: مواصفة)
الْحَانِئَةُ	اسم فاعل	خفه کننده
الهادئ	اسم فاعل (اینجا به معنی صفت)	آرام
لُبٌّ	اسم مفرد	مغز (جمع آن: ألباب)
المُزَارِعُونَ	اسم فاعل - جمع مذکر سالم	کشاورزان
الحماية	اسم - مصدر ثلاثی مجرد	محافظت (مترادف: حراسة، وقایه، حفظ)
محاصيل	اسم - جمع مکسر	محصول‌ها (جمع کلمه محصول)
يُسَبِّبُ	فعل مضارع - ثلاثی مزید	سبب می شود
مُلَوِّثَةٌ	اسم فاعل	آلاینده
إنتاج	مصدر ثلاثی مزید	تولید
المعمرة	اسم مفعول (اینجا به معنی صفت)	کهن سال
جُوزَاتِ البَلُوطِ السليمة	ترکیب اضافی وصفی	دانه‌های سالم بلوط
أحلّ	اسم تفضیل	حلال تر



المَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ

کلمه «معرفه» از فعل «عَرَفَ: شناخت» و کلمه «نکرة» از فعل «نَكِرَ: نشناخت» گرفته شده است. بنابراین، اسم معرفه یعنی «آشنا» و اسم نکره نیز به معنای «ناآشنا» است. این دو لفظ در زبان عربی بر دو گروه مهم از اسم‌ها اطلاق می‌شود و اهمیت یادگیری این موضوع در زمینه ترجمه این اسم‌هاست؛ زیرا اسم‌های

نکره به هنگام ترجمه به صورتی متفاوت و به شکل ناشناخته ترجمه می‌شوند. درباره این موضوع در بخش‌های بعدی این درس به‌طور مفصل صحبت خواهیم کرد. به علت اینکه انواع اسم‌های معرفه کمتر و نسبت به نکره‌ها محدودتر است، در ابتدا به بررسی دو مورد از انواع اسم‌های معرفه می‌پردازیم:

۱- معرفه به «ال» ۲- اسم عَلَم (اسم خاص)

۱. معرفه به «ال»:

مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، حرف تعریف «ال» است و هر اسم نکره‌ای به وسیله این حرف به معرفه تبدیل می‌شود. مثال:

مُعَلِّمٌ ← المَعَلِّمُ قَلَمًا ← القَلَمُ فِي كِتَابٍ ← فِي الْكِتَابِ

تنوین‌های سه‌گانه (ـَـ) هم نشانه اسم نکره هستند. به همین سبب، در ترجمه اسم‌های نکره بدون «ال» توجه کنید که به شکل نکره (ناشناس) ترجمه شوند. اسم نکره در زبان فارسی به یکی از شیوه‌های زیر ترجمه می‌شود:

اسم مفرد: جاء مَعَلِّمٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ	اسم جمع: رَأَيْتُ طُلَّابًا إِلَى الْجَامِعَةِ
۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد.	

نکته ۱: اگر اسمی در جمله به صورت نکره بیاید و همان اسم در ادامه با «ال» به کار رود، می‌توان در ترجمه «ال» از (آن و این) استفاده نمود؛ زیرا مخاطب در مرحله دوم نسبت به همان اسم نکره آشنایی پیدا کرده است. مثال:

رَأَيْتُ كِتَابًا فِي الْمَعْرُضِ فَاشْتَرَيْتُ الْكِتَابَ: کتابی را در نمایشگاه دیدم، پس آن کتاب را خریدم.

يَدْخُلُ طَالِبٌ فِي الْمَكْتَبَةِ ثُمَّ بَدَأَ الطَّالِبَ بِالْمَطَالَعَةِ: دانش‌آموزی وارد کتابخانه شد، سپس این دانش‌آموز شروع به مطالعه نمود.

نکته ۲: سال گذشته با «خبر» آشنا شدید و آموختید که خبر غالباً با تنوین به کار می‌رود. در چنین مواقعی، ضرورتی ندارد که همیشه خبر را به شکل نکره ترجمه نمی‌کنیم؛ زیرا این تنوین نشانه نقش خبر است و بیانگر نکره بودنش نیست. مثال:

العلمُ كُنْزٌ: علم گنج است فریقنا فائزٌ: تیم ما برنده است.

۲. اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند. مانند: علی، هاشم، مریم / ایران، شیراز، بوشهر....

البته دقت کنید که این اسم‌ها می‌توانند در جمله نقش‌هایی را بر عهده بگیرند و گاهی اوقات تنوینی متناسب با همان نقش بر روی آخرین حرفشان دیده می‌شود. توجه کنید که چنین تنوینی بیانگر «نکره بودن» این اسم‌ها نیست. مثال:

شارك علي في مراسم تكريم يوم الطالب: علی در مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز شرکت کرد.

خلاصه درس

۱- بر اساس معیار شناخت، اسم‌ها در زبان عربی به دو دسته معرفه (آشنا) و نکره (ناآشنا) تقسیم می‌شوند.

۲- اهمیت یادگیری این مبحث در زمینه ترجمه آشکار می‌گردد. در ترجمه اسم‌های نکره به یکی از شیوه‌های زیر عمل می‌کنیم:

اسم مفرد: جاء معلّمٌ إلى المدرسة	اسم جمع: رأيتُ طلاباً إلى الجامعة
۱. اسم + ی: معلمی به مدرسه آمد	۱. چند + اسم: چند دانشجو را در دانشگاه دیدم.
۲. یک + اسم: یک معلم به مدرسه آمد	۲. اسم + انی: دانشجویانی را در دانشگاه دیدم.
۳. یک + اسم + ی: یک معلمی به مدرسه آمد.	

۳- دو نوع مهم از انواع اسم‌های معرفه عبارتند از: معرفه به «ال» - اسم علم (خاص)

۴- اسم علم (خاص): یعنی نام مخصوص شخصی یا مکانی که به وسیله آن از سایر هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند.

۵- تنوین اسم‌های علم را نباید با تنوین نکره اشتباه گرفت. این تنوین نشانه نقش این کلمات در جمله

هستند.

اختبر نفسك:

عين المعرفة والنكرة فيما أُشير إليها بخط، ثم ترجم العبارات حسب قواعد المعرفة والنكرة.

١. إنَّ أحدَ مهاجمي فريق السعادة سجّل هدفاً.
٢. تعالَ نذهبْ إلى الملعبِ لمشاهدةِ مباراةٍ بينَ الفريقينِ الإيرانيينِ.
٣. العنبُ البرازيلي شجرةٌ تختلفُ عن باقي أشجار العالم وتنبُثُ في البرازيل.
٤. ظواهر الطبيعة تُنبُثُ حقيقةً وهي قدرة الله.
٥. يوجدُ نوعٌ من الشجرة الخائقة في جزيرة قشم التي تقع في محافظة هرمزجان.

عين الترجمة الصحيحة حسب قواعد المعرفة والنكرة

- ١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. صداى عجيبى را شنيدم. صداى عجيب را شنيدم.
- ٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. به روستايى رسيدم. به روستا رسيدم.
- ٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي نَگاهى به گذشته نگاه به گذشته
- ٤- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ بندگانِ درستکار بندگانِ درستکار
- ٥- أَلْسَوَارُ الْعَتِيقِ دستبندِ كهنه دستبندى كهنه
- ٦- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ تاريخى زرّين تاريخ زرّين